

طرح پیشنهادی انستیتو شرق‌شناسی آلمان برای حل مسئله کرد در ترکیه

ناصر ایرانی‌پور

انستیتو شرق‌شناسی آلمان که یک موسسه معتبر علمی و رسمی آلمان در زمینه تحقیقات خاورشناسی می‌باشد و وظیفه مشاورت علمی دولت و ارگانهای وابسته را بعهده دارد، در سال ۱۹۹۹ کتابی را تحت عنوان امکانات حل اختلاف در جمهوری ترکیه منتشر ساخت که مطالعه آن از چند لحاظ سودمند به نظر می‌رسد: بی‌بردن به گوشه‌های دیگری از وضعیت اسفناک کرد در ترکیه، آمارهای جدید در ارتباط با جمعیت کرد در کردستان و شهرهای مرکزی ترکیه؛ آشنایی با مواضع یک ارگان سیاسی و علمی رسمی آلمان، بویژه اینکه این اثر به مسؤلیت دو نماینده سوسیال‌دمکرات در مجلس فدرال آلمان نوشته شده؛ کسب اطلاعات جالبی در ارتباط با بررسی‌های بعمل آمده در مورد تجارب فدرالیستی در پاکستان، سوئیس و بلژیک؛ مطالعه طرح عملی انستیتوی نامبرده برای حل بحران ملی در ترکیه. کتاب شامل ۹۸ صفحه و ۴ بخش تاریخی، تجارب فدرالیستی کشورهای فوق‌الذکر، طرح پیشنهادی انستیتو و بالاخره بخش مربوط به توصیه‌های عملی به طرفهای درگیر می‌باشد. ما در اینجا، ضمن توصیه مطالعه همه بخشهای کتاب به آنانی که با زبان آلمانی آشنایی دارند، برای آشنایی خوانندگان نشریه وزین «مه‌هاباد» در این شماره اندکی روی فصل «طرح پیشنهادی» کتاب مکت می‌کنیم.

۲. تحدیدات فرهنگی و سیاسی شهروندان کرد؛
 ۳. ساختار متمرکز دولتی و
 ۴. جو خشونت و نظامیگری (میلیتاریسم).
- برای رفع مشکلات فوق باید چهار کار اساسی کرد:
۱. دمکراتیزه کردن کشور و نظام،
 ۲. تمرکززدایی در ساختار دولتی،
 ۳. تأمین و برسمیت شناختن هویت فرهنگی و زبانی کردها و
 ۴. در پیشگیری رویه مصالحه و آشتی جویانه.

از نظر گروه کار دمکراتیزه کردن به معنی انتخابات واقعاً آزاد، محدود کردن قدرت دولتی و تأمین یک نظام حقوقی است که ضامن حقوق شهروندان در مقابل دولت می‌باشد و به همین دلیل این امر شامل دو جنبه سیاسی و حقوق بشری می‌باشد.

برای تأمین جنبه سیاسی دمکراتیزاسیون باید اقدامات ذیل را در پیش گرفت:

۱. تأمین و تضمین آزادی کامل احزاب سیاسی؛
۲. حذف بند مربوط به لزوم پایبندبودن احزاب به پرنسپهای آتاتورک در قانون احزاب؛
۳. حذف بند «احزاب اجازه طرح ادعای وجود ملیتهای دیگر را در ترکیه ندارند» در قانون اساسی؛
۴. مانع ۱۰ درصدی ورود احزاب به پارلمان باید به ۵ درصد کاهش یابد؛
۵. تغییر فرمول سوگند (که همه را موظف می‌کند به آتاتورک سوگند بخورند و به وی وفادار بمانند)؛

گروه کار انستیتو که کتاب مورد بحث ما را نوشته در بسیاری جاها به نوشته یک حقوقدان ترک بنام پروفیسور بلند تانور در ترکیه اتکا و اشاره می‌کند. وی برای اتحادیه کارفرمایان این کشور تحقیقاتی را در زمینه موانع دستیابی ترکیه به دموکراسی انجام داده و به این نتیجه رسیده است که مشکل ترکیه نه تروریسم، آنطور که حاکمان و نظامیان ترکیه ادعا می‌کنند، بلکه عدم وجود دمکراسی در ترکیه است.

گروه کار تأکید می‌کند که هدف آنها ارائه یک طرف ایده‌آلیستی و روءیایی نبوده، بلکه تنها درصدد بوده‌اند بر پایه امکانات موجود راههایی را جستجو کنند که باعث گشایش روند صلح و مذاکرات بین طرفین شود. نقطه عزیمت آنها برسمیت شناختن جمهوری ترکیه و پابرجایی آن، اعتراف به هویت مستقل کردی و احزاب و جنبشهای کردستان، تأکید بر نکات مشترک طرفین درگیر و به عقب انداختن اختلافات ایدئولوژیک و بالاخره ضرورت در پیش گرفتن یک پروژه تشنج‌زدایی می‌باشد. از نظر آنها مهم است که سدی که میان دولت ترکیه و احزاب کردستان ایجاد شده شکسته شود. و صد البته این به این معنی نیست که طرفین باید تحلیل مشابهی از اوضاع داشته باشند.

برای راهیابی و ارائه طرح واقعبینانه برای حل بحران ضروری است که دریابیم چه چیزی این بحران را پدید آورده. گروه کار انستیتو چهار فاکتور اساسی را نام می‌برد که باعث پیدایش بحران حاضر شده‌اند:

۱. بی‌توجهی‌های دولت به مناطق کردنشین و محرومیت اقتصادی آنها؛

۶. به پارلمان باید حق اعطای عفو عمومی داده شود؛
۷. دخالت و نفوذ سیاسی ارتش باید کاهش داده شود.

۳. ایجاد رشته کردولوژی (کردشناسی) در دانشگاهها.

برای تأمین جنبه حقوق بشری دمکراتیزاسیون باید اقدامات ذیل انجام پذیرند:

۱. ممنوعیت دستگیریهای خودسرانه و شکنجه توسط نیروهای نظامی؛
۲. تأمین آزادی نام گذاری؛
۳. ملغی کردن اصطلاح « فرهنگ ملی»؛
۴. تغییر تمام نامهایی که توسط دولت ترکیه انجام پذیرفته اند از ترکی به کردی؛
۵. حذف عبارت «زبانهای ممنوعه»؛
۶. حذف بند ۴۲ قانون اساسی ترکیه که می گوید: «هیچ زبانی غیر از ترکی بعنوان زبان مادری برای شهروندان ترکیه قابل تصور نیست» و بالاخره
۷. تغییر تقسیمات کشوری بر اساس الزامات سیاسی.

تمرکززدایی نیز باید چنین در پیش گرفته شود:

۱. تقسیمات کشوری باید از نو انجام گیرد، آنهم بر اساس خواست، تعلقات ملی و مذهبی مناطق و همچنین بر اساس ضرورتهای اقتصادی (و نه امنیتی)؛
۲. تفویض اختیارات فرمانداران، استانداران و دولت مرکزی به پارلمان استانها و ارگانهای منطقه، آنهم در زمینه های آموزش و پرورش، فرهنگ، بهداشتی، بهداشت و پلیس؛
۳. تقلیل تعداد استانهای کشور از ۸۰ به ۲۵ الی ۳، ادغام آنها در یکدیگر، برای اینکه استانهای کوچک توان عرض اندام در مقابل دولت مرکزی را داشته باشند؛
۴. تفویض اختیارات مالیاتی و برنامه ریزی به پارلمانهای استانها، به این معنی که بخشی از مالیاتها را خود اخذ کنند و خود نیز برای تأمین مالی طرحها و پروژه های مختلف از آنها استفاده کنند.

و در زمینه برسمیت شناختن هویت زبانی و فرهنگی کردها باید اقدامات ذیل را به عمل آورد:

۱. تدریس دو زبانه: زبان کردی بعنوان زبان اصلی آموزشی، در کنار آن زبان ترکی بعنوان زبان خارجی، آنهم در چند سال اول مدرسه؛ زبان ترکی باید در سالهای بعد حذف شود، دست کم نباید اجباری باشد. اینکه کدام زبان باید بعنوان زبان اصلی و آموزشی تدریس شود، معیار باید نظر و رأی والدین باشد؛
۲. تأسیس آکادمی و فرهنگستان زبان کردی؛

و اما در زمینه آشتی ملی و اجتماعی گروه کار انستیتو شرقشناسی آلمان اقدامات زیر را توصیه می کند:

۱. غیر نظامی کردن کردستان و کاهش نیروهای نظامی؛
۲. از میان برداشتن «سیستم حفاظتی دهات» و کنار گذاشتن امر مسلح کردن روستائیان بر علیه نیروهای سیاسی کرد؛
۳. جایگزین کردن اقتصاد جنگی با اقتصاد صلح، بازسازی بیش از ۲۵۰۰ روستای ویران شده، بازسازی راهها و شبکه ارتباطات، مدارس و موعسسات درمانی و پزشکی، اجرای یک برنامه فوری برای درختکاری و آبادانی جنگلها و جمع آوری مینها، ایجاد موعسسات تجاری و تولیدی و همچنین سرمایه گذاری دولتی در آنجا از جمله اقدامات ضروری به نظر می رسند؛
۴. رفع زیانهای مادی و روحی ناشی از جنگ، عفو عمومی و ایجاد کمیسیونهای سه گانه همانطور که در افریقای جنوبی برای بررسی جنایات در دوران حاکمیت نژادپرستان بوجود آمد.

گروه کار در بخش پایانی کتاب توصیه هایی را برای طرفین درگیر (دولت آلمان، اتحادیه اروپا، ناتو، دولت ترکیه و احزاب کردی) فرموله کرده و از دولت آلمان و ناتو بخاطر سیاستهای مماشائگرانه در قبال دولت ترکیه انتقاد کرده است.

آلمان - ۷ آوریل ۲۰۰۳

Email: nasser-iranpour@t-online.de

Amke-Dietert-Scheuer:

Möglichkeiten der Konfliktlösung in der
Türkischen Republik.

Deutsches Orientinstitut Hamburg.

Mitteilungen. Mitteilungen 57/1999.

ISSN 0177-4158